مجلهٔ دانش و توسعه (علمی - پژوهشی) سال هفدهم، شمارهٔ ۳۴، ویژه اسفند ۱۳۸۹

تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف بخش خصوصی
(مطالعه موردی کشورهای منطقه منا[1])

بهزاد سلمانی*
استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
حسین اصغرپور
استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
علی دهقانی
دانشجوی دکتری اقتصاد صنعتی دانشگاه تبریز
مجید فشاری
دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشگاه تبریز و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد ارومیه

چکیده

در ادبیات اقتصاد کلان بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر مصرف حائز اهمیت می‌باشد.

لذا برای این منظور این مطالعه بر آن است تا با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، اثرات نابرابری درآمد را بر مخارج مصرفی سرانه بخش خصوصی در کشورهای منطقه منا طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۵ بررسی نماید. به منظور نیل به این هدف و با بهره‌گیری از مدل تعدیل یافته کین و همکاران[3] (۲۰۰۹)، مدل تحقیق تخمین زده شده است.

نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که متغیرهای نابرابری درآمد و نرخ بهره حقیقی تأثیر منفی و

---

* - (نویسنده مسئول): behsalmani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۱۷

1- Middle East and North Africa
۲- Qin et al

Archive of SID

www.SID.ir

معنی‌دار بر مصرف بخش خصوصی داشته، در حالی که تاثیر متغیر درآمد سرانه بر مصرف بخش خصوصی مثبت و معنی‌دار بوده است. از این‌رو، مهم‌ترین توصیه سیاستی این تحقیق آن است که سیاست‌گذاران اقتصادی این کشورها به منظور افزایش سطح مصرف لازم است از سیاست‌های باز توزیعی نظیر پرداخت‌های انتقالی و یا توزیع مجدد درآمد (اعطای یارانه) غافل نمانند تا بدین ترتیب بتوانند با کاهش نابرابری درآمد، موجبات افزایش مصرف خصوصی را فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: مصرف بخش خصوصی، نابرابری درآمد، تکنیک داده‌های تابلویی، منطقه منا.

طبقه بندیJEL: E25 , D91, C23

The Effect of Income Inequality on Private Consumption: The Case Study of MENA Countries

Behzad Salmani
Assistant Professor of Economics, University of Tabriz
Hossein Asgharpur
Assistant Professor of Economics, University of Tabriz
Ali Dehghani
Ph.D. Student of Industrial Economics, University of Tabriz
Majid Feshari
Ph.D. Student of International Economics, University of Tabriz and Member of Young Researchers Club, Urmia Unit

Abstract

The investigation of income inequality effect on private consumption is considered as an important issue in macroeconomic literatures.
Hence the main objective of this paper is to study the effect of income inequality on private consumption in MENA countries during the (1975-2006). For this purpose, the modified Qin et al. (2009) model has been estimated by panel data approach.
The main findings indicate that, income inequality and real interest rate have negative and significant and per capita income has positive and significant effects on private consumption, respectively. Accordingly, the main implication policy of this paper is that, policy makers of this countries should be decrease income inequalities and adopts re-distribution policies such as transfer payment and subsidies in order to increase the private consumption.

Key Words: Private Consumption, Income Inequality, MENA.

JEL: C23, D91, E25

Archive of SID

www.SID.ir

۱. مقدمه

توزیع درآمد از جمله موضوعات مهم اقتصادی و اجتماعی است که به دلیل وجود روابط متقابل آن با متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، مصرف، سرمایه گذاری و پس انداز و متغیرهای اجتماعی نظیر بزهکاری، همواره مورد توجه سیاستگزاران اقتصادی بوده است. مروری بر ادبیات موضوعی آثار نابرابری درآمد نشان می‌دهد که بسته به شرایط اقتصادی کشورهای مورد بررسی، فروض، مدل‌ها و تکنیک‌های اقتصادسنجی مورد استفاده، افزایش نابرابری درآمد می‌تواند بر متغیرهای مهم کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد. در این راستا، برخی اقتصادانان معتقدند که مصرف در مقایسه با سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر درآمد، متغیر مناسبی برای تجزیه و تحلیل آثار نابرابری درآمد محسوب می‌شود (Slesnick,1998).

مخارج مصرفی یکی از شاخص‌های مستقیم اندازه‌گیری میزان رفاه افراد و خانوارها می‌باشد. اگر خانوارها با استفاده از جریان استقراض و پس‌انداز و وام دهی بازار سرمایه قادر به هموار سازی نوسانات مصرف خود باشند در آن صورت جریانات درآمدی خانوارها دارای نوسانات مقطعی و گذرا خواهند بود. علاوه بر این، افزایش در اختلاف درآمد خانوارها به دلیل نوسانات گذرا و مقطعی و در صورت هموار سازی جریانات مصرف خانوارها، ممکن است منجر به تغییرات اندک در توزیع رفاه خانوارها شود. از طرف دیگر، نابرابری درآمد می‌تواند از طریق تغییر میل نهایی به مصرف منجر به تغییر مصرف و پس انداز در اقتصاد شود. هم‌چنین نابرابری درآمد نیز در فرایند انباشت سرمایه به دلیل تغییر نرخ پس انداز و مصرف و قیمت‌های نسبی عوامل تغییر پیدا می‌کند. از نقطه نظر تئوریکی و مطابق با مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، میل نهایی به پس انداز در نتیجه افزایش ثروت و درآمد خانوارها افزایش پیدا می‌کند که در نتیجه این امر ممکن است میزان مصرف خانوارها کاهش یابد. بنابراین، به لحاظ تئوریکی اثرات نابرابری درآمد بر مصرف مبهم بوده و چگونگی رابطه بین مصرف و توزیع درآمد می‌تواند با انجام مطالعات تجربی تبیین و تعیین شود.

نتایج مطالعات تجربی نیز دلالت بر متفاوت بودن اثرات توزیع درآمد بر مصرف دارند ، به

Archive of SID

www.SID.ir

طوری که اغلب مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه نظیر مطالعات ساهوتا[1] (۱۹۹۳)، کوک[2] (۱۹۹۵) و هانگ[3] (۱۹۹۵) رابطه معکوس بین نابرابری درآمد و مصرف را در چارچوب مطالعات بین کشوری نتیجه‌گیری نموده‌اند. در حالی که در گروه دیگر مطالعات که توسط ماسگرو[4] (۱۹۸۰) و ادواردز[5] (۱۹۹۶) انجام شده است، رابطه مستقیم بین نابرابری درآمد و مخارج مصرفی نتیجه گرفته شده است. لذا از آنجا که به لحاظ تئوریکی و مطالعات تجربی در خصوص چگونگی اثرگذاری نابرابری درآمد بر مصرف اتفاق نظر وجود ندارد، به نظر می‌رسد به منظور تبیین رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف و بررسی تجربی این موضوع برای گروه دیگری از کشورها از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) با استفاده از تکنیک‌های جدید اقتصاد سنجی ضروری است.

در این راستا، در این تحقیق سعی شده است با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی رابطه بین متغیر نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی برای کشورهای منطقه خاور میانه و شمال آفریقا (MENA)[6] طی سال‌های (۲۰۰۶-۱۹۷۵) مورد بررسی قرار گیرد. سئوال اصلی این مطالعه چگونگی تأثیرگذاری نابرابری درآمد بر مخارج مصرفی بخش خصوصی در گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. برای پاسخ‌گویی به این سوال، ادامه مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است: در بخش دوم، چارچوب نظری و در بخش سوم مطالعات تجربی ارایه شده است. در بخش چهارم مدل و داده‌های آماری تحقیق معرفی شده است. در بخش پنجم مقاله به تخمین مدل و تحلیل یافته‌ها پرداخته شده و بخش پایانی مقاله نیز به نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی تحقیق اختصاص یافته است.

۲. چارچوب نظری رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف

رابطه بین مصرف و پس انداز و نابرابری درآمد در چارچوب تاریخی رشد و تئوری کلاسیکی

1- Sahota
2- Cook
3- Hong
4 -Musgrov
5- Edwards

۶- فهرست کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در پیوست مقاله ارائه شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

مصرف همواره مورد توجه اقتصادانان بوده است. در واقع رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف و پس انداز یکی از پایه‌های اساسی مدل‌های رشد نئوکلاسیکی و نئوکینزی در ادبیات رشد اقتصادی می‌باشد. بنابراین، این مدل‌های رشد از نوع مدل‌های تعادل عمومی[1] بوده به طوری که مصرف، پس انداز و توزیع درآمد از جمله متغیرهای درونزای مدل می‌باشند (Serven & Hebbe,2000).

در چارچوب مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، کارگران و سرمایه‌داران از لحاظ ویژگی‌های پس انداز یکسان بوده در حالی که در مدل‌های رشد نئوکینزی لوئیس[2] (۱۹۵۴) و کالدور[3] (۱۹۵۷) کارگران و سرمایه‌داران دارای ویژگی‌های متفاوت مصرف و پس انداز می‌باشند. لوئیس عنوان می‌کند که پس انداز تابعی از سود بنگاه‌ها بوده و از آنجا که سودآوری بنگاه‌ها و تولیدکنندگان در بخش‌های مدرن و صنعتی اقتصاد بیشتر می‌باشد، در نتیجه پس‌انداز نیز در بخش‌های مدرن و صنعتی اقتصاد بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان در این بخش‌ها نسبت بیشتری از درآمد خود را پس انداز نموده و سایر گروه‌های درآمدی جامعه به میزان کمتری پس انداز می‌نمایند. از طرف دیگر، در مدل کالدور، کارگران بخش بیشتری از درآمد خود را مصرف نموده و در نتیجه سهم سود این گروه جامعه در درآمد ملی، به نسبت سرمایه‌گذاری به تولید بستگی دارد. پاسینتی[4] (۱۹۶۲) فرض می‌کند که میل نهایی به پس انداز در بین گروه‌های مختلف افراد با یکدیگر متفاوت بوده به طوری که میزان پس انداز کارگران صفر نبوده بلکه آنها بخشی از درآمد خود را پس انداز می‌نمایند. علاوه بر این به دلیل نامتجانس بودن[5] مصرف کنندگان، تئوری‌های رشد نئوکلاسیکی اخیر به رابطه غیرخطی بین مصرف، پس انداز و درآمد توجه می‌کنند.

یکی دیگر از چارچوب‌های تئوریکی رابطه بین توزیع درآمد، مصرف و پس انداز توسط بکر[6] بکر[6] (۱۹۷۵) ارائه شده است. در این وضعیت اگر بازدهی کاهنده نسبت به سرمایه انسانی وجود داشته باشد، در آن صورت افراد فقیر و گروه‌های درآمدی پایین نسبت به ثروتمندان، به مقدار

1- General Equilibrium
2- Lewis
3- Kaldor
4- Pasinetti
5- Heterogeneity
6- Becker

Archive of SID

www.SID.ir

بیشتری در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری خواهند کرد. زیرا در الگوی حسابداری رشد متعارف، مخارج مربوط به سرمایه انسانی به عنوان مصرف در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، در این حالت نرخ پس انداز افراد فقیر و با گروه درآمدی پایین به مراتب کمتر از افراد ثروتمند جامعه بوده که در نتیجه آن میزان مصرف گروه‌های درآمدی پایین بیشتر خواهد بود (Biswal,2002).

علاوه بر این، میزان مصرف و پس انداز احتیاطی[1] نیز دلالت بر رابطه بین مصرف، پس انداز و توزیع درآمد دارد. در این حالت مصرف کنندگان با وجود سطح درآمد و ثروت پایین، به منظور اجتناب از تعادل احتیاطی خود تمایل به متراکم‌تر کردن مصرف دارند. بنابراین، برای این گروه درآمدی، میل نهایی به مصرف بیشتر از مصرف کنندگانی خواهد بود که تمایل بیشتری به مصرف دارند.[2]

از طرف دیگر در مدل رشد رمزی[3] مصرف و نابرابری درآمد و ثروت، زمانی افزایش می‌یابد که کشش جانشینی مصرف سرانه که برابر با $\sigma = \frac{-u'(c)}{u''(c)c}$ است افزایش یابد. زیرا نرخ رشد مصرف سرانه افراد در این حالت با افزایش $\frac{-u'(c)}{u''(c)c}$ افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، نابرابری ثروت و درآمد هم سو با افزایش نابرابری مصرف افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به اینکه در این الگو تابع مصرف تابع یکنوا از ثروت و درآمد است، لذا با افزایش نابرابری درتوزیع درآمد و ثروت، میزان نابرابری مصرف خانوارها نیز افزایش خواهد یافت[4] (Foellmi,2008).

۲-۱. مروری بر شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد

در خصوص اندازه‌گیری نابرابری درآمد، شاخص‌های مختلفی توسط اقتصاددانان استفاده شده و برخی از این شاخص‌ها نیز مورد نقد قرار گرفته است. در جدول (۱) به شاخص‌های مهم اندازه-گیری نابرابری درآمد معرفی پرداخته شده است.

1- Precautionary Saving

۲ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به Carroll & Kimball (1996)

3- Ramsey Growth Model

۴- برای مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید به Foellmi (2008)

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۱): شاخص‌های مهم اندازه‌گیری نابرابری درآمد

نام شاخص	فرمول محاسباتی
ضریب جینی	$G = \frac{2\operatorname{cov}(y, r_y)}{n\bar{y}}$
واریانس	$V = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}(y_i - \bar{y})^2$
ضریب تغییرات	$c = \frac{\sqrt{V}}{\bar{y}}$
لگاریتم واریانس	$\upsilon_1 = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}[\log(\frac{y_i}{\bar{y}})]^2$
واریانس لگاریتم	$\upsilon_2 = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}[\log(y_i) - \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\log(y_i)]^2$
اتکینسون	$A = 1 - \frac{1}{\bar{y}}U^{-1}(\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}U(y_i)$
دالتون	$D = 1 - \frac{\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}U(y_i)}{U(\bar{y})}$
تایل	$T = \frac{I}{n}\sum_{i=1}^{n}\frac{y_i}{\bar{y}}\log(\frac{y_i}{\bar{y}})$
هرفیندال	$H = (\frac{y_i}{n\bar{y}})^2$

منبع: (Qin et al,2009, p. 74)

۳. مروری بر پیشینه پژوهش

در این بخش مطالعات تجربی صورت گرفته در خصوص رابطه بین نابرابری درآمد مصرف در دو قالب مطالعات خارجی و مطالعات داخلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱. مطالعات خارجی

کوتلر و لورنس[1] تغییرات در توزیع درآمد و مصرف در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا را بررسی

1- Cutler and Lawrence

Archive of SID

www.SID.ir

کردند. آنها با استفاده از اطلاعات مربوط به جمعیت و هزینه خانوار، به این نتیجه می‌رسند که اولاً تغییر در مصرف به موازات تغییر در توزیع درآمد خانوارها است. ثانیاً تغییرات در توزیع درآمد، اثر معنی‌دار بر هزینه‌های خانوار نداشته است و ثالثاً اینکه این مسأله توضیحی برای وجود فقر در آمریکا نبوده است (Cutler and Lawrence,1992).

ساهوتا[1] با استفاده از اطلاعات ۶۵ کشور در حال توسعه و صنعتی به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و پس انداز در سال ۱۹۷۵ می‌پردازد. یافته‌های تجربی مطالعه مذکور نشان می‌دهد که ضریب جینی به عنوان متغیر جایگزین نابرابری درآمد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ پس انداز این کشورها داشته است (Sahota,1993).

هانگ[2] در مطالعه‌ای رابطه بین نابرابری درآمد و نرخ پس انداز داخلی را برای ۶۴ کشور در حال توسعه طی سال‌های (۱۹۸۵-۱۹۶۰) بررسی نموده و نشان می‌دهد بین نابرابری درآمد و نرخ پس انداز رابطه مثبت و معنی‌دار برقراری می‌باشد (Hong,1995).

ادواردز[3] رابطه بین پس انداز بخش خصوصی و نابرابری درآمد را برای مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه و عضو OECD طی سال‌های (۱۹۹۲-۱۹۷۰) بررسی می‌نماید. یافته‌های تجربی مطالعه مزبور بیانگر این است که ضریب جینی به عنوان متغیر جایگزین نابرابری درآمد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر پس انداز بخش خصوصی در این گروه کشورها داشته است (Edwards,1996).

کین و پراساد[4] با استفاده از آمار و اطلاعات هزینه و بودجه (درآمد) خانوارها سالهای (۱۹۹۲-۱۹۸۵) به بررسی ارتباط بین مصرف و نابرابری درآمد در لهستان و در دوره گذار اقتصادی این کشور می‌پردازند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که همزمان با افزایش نابرابری درآمد، افزایش در مصرف و فقر نیز مشاهده شده است (Keane & Prasad,1999).

سرون و هبل[5] در مطالعه ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و پس انداز در ۴۲ کشور

1- Sahota
2- Hong
3- Edwards
4- Keane & Prasad
5- Serven and Hebbel

Archive of SID

www.SID.ir

منتخب در حال توسعه طی سال‌های (۱۹۹۴-۱۹۶۵) می‌پردازند. آنها در مطالعه خودشان نتیجه می‌گیرند که بین نابرابری درآمد و پس انداز رابطه مستقیم برقرار بوده ولی این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد (Serven and Hebbel,2000).

کروگر و پری[1] با استفاده از اطلاعات درآمد و مخارج خانوارها به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف در آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۷۲ می‌پردازند. یافته‌های مطالعه آنان نشان می‌دهد که افزایش در نابرابری درآمد منجر به افزایش نابرابری مصرف می‌شود (Krueger and Perri,2002).

بیسوال[2] در مطالعه‌ای رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف را در کانادا طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۶۹ بررسی می‌نماید. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که با افزایش نابرابری درآمد، مصرف کاهش می‌یابد (Krueger and Perri,2002).

براون[3] در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف در آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۸ می‌پردازد. وی در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که نابرابری درآمد دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر مصرف بخش خصوصی می‌باشد (Brown,2004).

سامر[4] در مقاله‌ای به ارتباط بین درآمد، مصرف و نابرابری ثروت و دلیل اهمیت اثرات چرخه زندگی بر آنها می‌پردازد. وی در مطالعه خود بیان می‌کند که افزایش نابرابری درآمد، ثروت و مصرف منجر به توجه بیشتر به این مسأله در سال‌های اخیر شده است. در همین سال‌ها، اقتصاددانان کلان به مدل سازی این موضوع برای خانوارها پرداختند. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که نابرابری مصرف در بین خانوارها با درآمد پایین در دوره مورد بررسی ثابت مانده است (Sommer,2008).

کین و همکاران[5] با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و داده های سری زمانی فصلی به بررسی اثرات نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی مناطق شهری و روستایی کشور چین طی دوره

1- Krueger and Perri
2- Biswal
3- Brown
4- Sommer
5- Qin et al

Archive of SID

www.SID.ir

زمانی (۲۰۰۳:۴ و ۱۹۹۲:۱) پرداخته اند. آنها با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی مبتنی بر معادله‌ای که متغیر وابسته آن مصرف سرانه بخش خصوصی بوده و متغیرهای توضیحی آن شامل درآمد سرانه، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، ضریب جینی و نرخ بهره سپرده‌های دیداری می‌باشد، به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف سرانه بخش خصوصی پرداختند نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که نابرابری درآمد از متغیرهای اساسی و مهم در بین متغیرهای توضیحی مدل بوده و تأثیر منفی بر روی مصرف سرانه و همچنین بر GDP و رشد بخش‌ها داشته است (Qin et al,2009).

گراویس و همکاران[1] در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد، ثروت و مصرف در کانادا طی سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۷۶) می‌پردازند. آنها در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسند که در دوره مورد بررسی نابرابری درآمد افزایش یافته که این امر منجر به افزایش نابرابری مصرف در این کشور شده است (Geravis et al,2009).

بلاندل و اتریگ[2] در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از آمار و اطلاعات درآمد و مخارج خانوارها به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر مصرف در انگلستان طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۴ می‌پردازند. آنها در مطالعه خود نشان می‌دهند که با افزایش نابرابری درآمد، مصرف بخش خصوصی در این کشور کاهش می‌یابد (Blundell and Etheridge,2010).

۳-۲. مطالعات داخلی

علی‌رغم وجود مطالعات متعدد خارج از کشور در حوزه بحث توزیع درآمد و مصرف که در بالا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شد، بررسی‌های به عمل آمده دلالت بر این دارد که در زمینه رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی در ایران مطالعه تجربی انجام نشده است. اما برخی از مطالعات مشابه محققین داخلی در خصوص اثرات توزیع درآمد بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی در زیر مرور می‌شود.

ابریشمی و همکاران در مطالعه خود رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران را در دوره (۱۳۸۱ –

1- Geravis et al
2- Blundell and Etheridge

Archive of SID

www.SID.ir

۱۳۵۰) بررسی می‌نمایند. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که یک رابطه علی یک طرفه از سمت نابرابری درآمد به رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر، تغییرات در نابرابری درآمد، علت تغییرات در رشد اقتصادی است (Abrishami et al,2005).

مهدوی عادلی و رنجبرکی در مطالعه دیگری رابطه بلند مدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران را در دوره (۱۳۸۱-۱۳۷۴) مورد مطالعه قرار می‌دهند. آنها در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسند که فرضیه کوزنتس در دوره مورد مطالعه، در ایران صادق نیست و یک رابطه هم-انباشتگی بلندمدت مثبت، بین رشد اقتصادی و ضریب جینی وجود دارد (Mahdavi Adeli and Ranjbaraki,2005).

شهیکی‌تاش و دهقانی درمطالعه‌ای شاخص‌های توزیع درآمد ضریب جینی، تایل، هر فیندال و شانن را طی برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که پس از انقلاب اسلامی، نسبت به دوره قبل از انقلاب، روند توزیع درآمد در ایران بهبود یافته و رفاه و سطح مصرف مصرف کنندگان را ارتقا داده است (Shahikitash and Dehghani,2008).

بر اساس مطالعات تجربی صورت گرفته ملاحظه می‌شود که رابطه بین نابرابری درآمد و مصرف در کشورهای مختلف یکسان نبوده است و نتایج متفاوتی حاصل شده است. از این‌رو لازم است این رابطه در مورد کشورهای منطقه منا نیز آزمون شود تا چگونگی ارتباط بین نابرابری درآمد و مصرف بخش خصوصی در این گروه کشورها تبیین شود.

۴. معرفی مدل تحقیق، داده‌ها و اطلاعات آماری

بر اساس مبانی نظری موضوع و ادبیات تجربی تحقیق، مدل مورد استفاده در این مطالعه برای تبیین رابطه بین نابرابری درآمد و هزینه‌های مصرفی، مبتنی بر مطالعه کین و همکاران (۲۰۰۹) بوده که با اندکی تعدیلات در مورد کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا استخراج شده است. فرم کلی مدل Qin به صورت زیر است:

$$LPCON_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LPCINC_{it} + \alpha_3 IR_{it} + \alpha_4 LGINI_{it} + \alpha_5 LCPI_{it} + U_{it} \quad (۱)$$

که در آن، LPCON، لگاریتم مصرف سرانه بخش خصوصی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰،

Archive of SID

www.SID.ir

LPCINC، لگاریتم درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، IR، نرخ بهره سپرده‌های دیداری، LGINI، لگاریتم ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد) و LCPI لگاریتم شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی می‌باشد.

تعدیلات صورت گرفته در مدل فوق بدین صورت است که به جای دو متغیر نرخ بهره سپرده‌های دیداری و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی از متغیر نرخ بهره حقیقی استفاده شده است[۱]. زیرا بر طبق مباحث اقتصاد کلان، متغیر نرخ بهره حقیقی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر میزان مصرف بخش خصوصی می‌باشد. به طوری که ارتباط بین نرخ بهره حقیقی و مصرف از طریق تئوری مصرف بین دوره ای فیشر قابل تبیین است. طبق تئوری مصرف بین دوره‌ای فیشر، اگر مصرف تابعی از ثروت حقیقی در نظر گرفته شود، در این صورت تغییرات نرخ بهره حقیقی می‌تواند از طریق اثرات جانشینی و اثرات درآمدی، مصرف را طی دوره تحت تاثیر قرار دهد. اثر جانشینی افزایش نرخ بهره حقیقی دلالت بر کاهش مصرف دوره جاری و افزایش مصرف دوره های آتی دارد و اثر درآمدی دلالت بر افزایش مصرف در طول دوره دارد. بنابراین، اثر افزایش نرخ بهره بر مصرف به برآیند دو اثر جانشینی و درآمدی بستگی داشته و می‌تواند مثبت، منفی و یا صفر باشد (Mankiw, 2003, pp.443-444). هم‌چنین اثر کینزی نیز دلالت بر رابطه معکوس بین نرخ بهره حقیقی و مصرف می‌باشد، به طوری که طبق اثر کینزی، با افزایش نرخ بهره حقیقی سرمایه گذاری حقیقی کاهش یافته و این امر موجب کاهش درآمد حقیقی و در نتیجه مصرف می‌شود (شاکری، ۱۳۸۷، صص۳۴۷-۳۴۲).

لذا، با در نظر گرفتن تحلیل‌های تئوریکی انجام شده، می‌توان مدل تعدیل یافته کین و همکاران را برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به صورت زیر در نظر گرفت:

$$LPCON_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LPCINC_{it} + \alpha_3 LR_{it} + \alpha_4 LGINI_{it} + U_{it} \qquad (۲)$$

۱- دلیل استفاده از متغیر نرخ بهره حقیقی به جای دو متغیر نرخ بهره سپرده‌های دیداری اسمی و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی آن است که متغیر مصرف سرانه بخش خصوصی یک متغیر حقیقی بوده و از لحاظ تئوریکی تابعی از نرخ بهره حقیقی است نه نرخ بهره اسمی. هر چند از طریق فرمول فیشر، نرخ بهره حقیقی نوعی با این دو متغیر مرتبط بوده که بر اساس آن نرخ بهره حقیقی معادل تفاضل نرخ بهره اسمی و نرخ تورم است. این امر سبب می شود قاعده آکام مبنی بر اصل "قلت متغیرهای توضیحی مدل" نیز رعایت شود.

Archive of SID

www.SID.ir

در آن، LPCON، لگاریتم مصرف سرانه بخش خصوصی، LPCINC، لگاریتم درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه)، LR لگاریتم نرخ بهره حقیقی و LGINI لگاریتم ضریب جینی (متغیر جانشین[1] برای نابرابری درآمد) می‌باشد.

شایان ذکر است که داده‌ها و اطلاعات آماری متغیرهای مدل از لوح فشرده بانک اطلاعات جهانی[2] (۲۰۰۸) استخراج شده و قلمرو زمانی تحقیق سال‌های (۲۰۰۶-۱۹۷۵) می‌باشد.

۵- تخمین مدل و تجزیه و تحلیل یافته ها

در این قسمت مدل اصلی تحقیق با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی برآورد می‌شود. قبل از تخمین مدل لازم است همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گیرد. نتایج آماره آزمون F دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای روش حداقل مربعات تجمیع شده[3] دارد. نتایج این آزمون در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F

مقدار آماره آزمون F(6,1)	مقدار آماره آزمون $\chi^2(6)$	مقدار ارزش احتمال (PV)
۵۰۷/۳۹	۸۸/۲۳	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

برای انتخاب روش مناسب بین روش با اثرات ثابت و تصادفی[4] باید از آماره آزمون هاسمن[5] استفاده نمود. نتایج آماره آزمون هاسمن به منظور انتخاب روش تخمین مناسب نشان می‌دهد که استفاده از روش با اثرات تصادفی نسبت به روش با اثرات ثابت، روش مناسبی برای تخمین مدل

1- Proxy
2- World Development Indicators
3- Pooled Least Square
4- Fixed & Random Effects
5- Hausman Test

Archive of SID

www.SID.ir

می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن

مقدار آماره آزمون χ^2	درجه آزادی	مقدارارزش احتمال
۰/۰۰۵	۳	۰/۹۵

منبع: محاسبات تحقیق

در ادامه، بر اساس نتیجه آماره آزمون هاسمن در انتخاب روش مناسب، مدل اصلی تحقیق با روش با اثرات تصادفی تخمین زده شده است. نتایج تخمین مدل در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی

مدل با اثرات تصادفی (Random Effect)			
متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
C	۱/۴۲	۳/۱۸	۰/۰۰۰۳
LGDPP	۰/۴۲	۱۶/۰۱	۰/۰۰۰
LGINI	-۰/۲۵	-۳/۳۴	۰/۰۱۵
LR	-۰/۱۱	-۲/۲۶	۰/۰۵
$DW = 1.11$ و $F = 34.150$ ، $\overline{R}^2 = 0.91$ ، $R^2 = 0.94$			
Number of Cross Sections after adjustments=11, Observation=231			

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۴)، ملاحظه می‌شود که اثر متغیر ضریب جینی بر مصرف سرانه بخش خصوصی منفی و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد که این نتیجه گیری مطابق با مبانی نظری است. در مورد تأثیر منفی این متغیر بر مصرف سرانه می‌توان بیان کرد که با افزایش نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه، مصرف سرانه بخش خصوصی به طور معنی‌دار کاهش یافته است. شاید مهم‌ترین دلیل وجود رابطه معکوس بین مصرف سرانه بخش خصوصی و نابرابری درآمد در کشورهای مورد بررسی این است که با افزایش نابرابری درآمد، سهم دهک‌های درآمدی متوسط و پایین از کل درآمد کاهش یافته و به تبع آن مصرف نیز کاهش یافته است.

Archive of SID

www.SID.ir

علاوه بر این، مقدار عددی ضریب (کشش) حاصل از تخمین مدل (۰/۲۵-) نشان می‌دهد که یک درصد تغییر در نابرابری درآمد در کشورهای منطقه منا منجر به کاهش ۰/۲۵ درصدی در مصرف سرانه بخش خصوصی این کشورها می‌شود.

متغیر درآمد سرانه که در اغلب مطالعات با مصرف سرانه بخش خصوصی رابطه مستقیم داشته است، در این مطالعه نیز ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر، افزایش یک درصدی درآمد سرانه این کشورها، به طور متوسط میزان مصرف سرانه بخش خصوصی کشورها را به میزان ۰/۴۲ درصد افزایش داده است. به بیان دیگر، طبق مباحث اقتصاد کلان، با افزایش درآمد سرانه قدرت خرید مصرف کنندگان افزایش یافته و به تبع آن میزان مصرف آنها نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر منفی بودن ضریب به دست آمده از تخمین مدل برای متغیر نرخ بهره حقیقی حاکی از ارتباط معکوس بین این متغیر و مصرف سرانه بخش خصوصی کشورهای مورد بررسی می‌باشد. طبق مباحث اقتصاد کلان وجود این رابطه را می‌توان به این صورت تحلیل کرد که از یک سو با افزایش نرخ بهره حقیقی، میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یافته که این امر منجر به کاهش میزان پس‌انداز و هم‌چنین کاهش سطح درآمد می‌شود. در نتیجه با کاهش درآمد، مصرف نیز که تابعی مستقیم از سطح درآمد می‌باشد، کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، طبق تحلیل تئوری مصرف بین دوره‌ای فیشر، با افزایش نرخ بهره حقیقی هزینه فرصت مصرف بیشتر شده و به عبارتی مصرف جاری برای خانوارها پرهزینه‌تر می‌شود. گران‌تر شدن هزینه‌های مصرفی خانوارها از طریق اثر جانشینی انگیزه پس انداز خانوارها را بیشتر کرده و در نتیجه مصرف را کاهش می‌دهد. بنابراین، با افزایش نرخ بهره حقیقی مصرف دوره جاری کاهش می‌یابد. لذا به لحاظ تئوریک انتظار بر این است که با افزایش نرخ بهره حقیقی، میزان درآمد کاسته شده و در نتیجه مصرف بخش خصوصی نیز کاهش یابد. ضریب برآورد شده متغیر نرخ بهره حقیقی نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی نرخ بهره حقیقی منجر به کاهشی معادل ۰/۱۱ درصد در میزان مصرف سرانه بخش خصوصی شده است.

در بخش دیگری از مقاله، به منظور بررسی تحلیل حساسیت[1] نتایج مدل، دوره زمانی مورد

1- Robustness

Archive of SID

www.SID.ir

مطالعه به دوره‌های مختلف زمانی تعدیل شده که نتایج حاکی از استحکام و پایداری ضرایب مدل می‌باشد. به عبارت دیگر با تعدیل دوره زمانی مورد مطالعه[1]، کماکان تأثیر متغیرهای نرخ بهره حقیقی و ضریب جینی منفی و معنی‌دار و تأثیر متغیر درآمد سرانه مثبت و معنی‌دار است. نتایج بررسی تحلیل حساسیت مدل در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول (۵). نتایج بررسی تحلیل حساسیت مدل

مدل با اثرات تصادفی (Random Effect)			
متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
C	۱/۱۷	۲/۲۴	۰/۰۰۲
LGDPP	۰/۵۴	۱۲/۱	۰/۰۶
LGINI	-۰/۴۶	-۱۸/۸۱	۰/۰۳۳۸
LR	-۰/۰۳	-۳/۱۸	۰/۰۰۳
$DW = 1.43$ و $F = 96.67$ ، $\overline{R}^2 = 0.96$ ، $R^2 = 0.97$			
Number of Cross Sections after adjustments=10, Observation=180			

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج برآورد مدل ملاحظه می‌شود، تأثیر درآمد سرانه بر مصرف بخش خصوصی در این کشورها مثبت و تأثیر متغیرهای ضریب جینی و نرخ بهره حقیقی بر مصرف منفی و معنی‌دار بوده است. نتایج حاصل از این مطالعه با مبانی نظری موضوع و مطالعات تجربی صورت گرفته نظیر براون (۲۰۰۴) ، کین و همکاران (۲۰۰۹) و بلاندل و اتریگ (۲۰۱۰) سازگار می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی

در این مطالعه که هدف اصلی آن بررسی اثر توزیع درآمد بر مصرف سرانه بخش خصوصی در کشورهای منطقه منا طی سال های (۲۰۰۶-۱۹۷۵) می‌باشد، آزمون‌های متداول اقتصادسنجی بر اساس رهیافت داده‌های تابلویی انجام شده است که به طور اجمالی نتایج زیر حاصل شده است:

۱- با افزایش نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه، مصرف سرانه بخش خصوصی

۱- دوره زمانی مورد بررسی به دوره ۲۰۰۶-۱۹۸۵ تعدیل شده است .

Archive of SID

www.SID.ir

کاهش یافته است که این امر ناشی از افزایش میل نهایی به پس‌انداز (در نتیجه افزایش نابرابری درآمد) و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد. به بیان دیگر، با افزایش نابرابری درآمد در این گروه کشورها، میزان درآمد کاهش یافته و در نتیجه میزان مصرف بخش خصوصی نیز کاهش پیدا می‌کند.

۲-افزایش یک درصدی درآمد سرانه، میزان مصرف سرانه بخش خصوصی برای این کشورها را به میزان ۰/۴۲ درصد افزایش می‌دهد و اثر افزایش درآمد، از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

۳- در این کشورها افزایش ناچیز در نرخ بهره حقیقی منجر به کاهش در میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه کاهش در میزان درآمد و مصرف سرانه بخش خصوصی می‌شود.

با توجه به نتایج این مطالعه، موارد زیر می‌تواند به عنوان توصیه های سیاستی در این گروه کشورها قابل طرح باشد:

۱- با توجه به تأثیر منفی نرخ بهره حقیقی بر مصرف بخش خصوصی در این کشورها، توصیه می‌شود سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصادی در کشورهایی که نیاز به افزایش مصرف دارند، با اعمال سیاست‌های پولی و مالی مناسب، نرخ بهره حقیقی را کاهش داده و برای کشورهایی که نیاز به منابع پس‌انداز بیشتری دارند، نرخ بهره حقیقی را افزایش دهند. از طرف دیگر با توجه به وجود طبقات و گروه‌های مختلف درآمدی در این گروه کشورها، نمی‌توان افزایش مصرف بخش خصوصی را برای تمامی گروه‌های درآمدی توصیه نمود.

۲- افزایش نابرابری‌های درآمدی در این کشورها، از طریق کاهش مصرف بخش خصوصی رشد اقتصادی آنها را تضعیف خواهد نمود. بنابراین، به منظور کاهش نابرابری های درآمدی و افزایش میزان مصرف در این کشورها، سیاست‌های باز توزیعی نظیر پرداخت‌های انتقالی و اعطای یارانه‌ها توصیه می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

References:

1- Abrishami, H., Mehrara, M. and Khatabakhsh, P. (2005), "**The Relationship between Economic Growth and Income Distribution in Iran**", Quarterly Journal of Humanities and Social Sciences, No.17:13-52 (in Persian).
2- Adams, R. H. (2003), "**Economic growth, Inequality and poverty: Findings From a new data set**", policy Research working paper Series, No.2972.
3- Biswal, U.D. (2002), "Consumption and Income Inequality: The Case of Atlantic Canada1969-1996", **Canadian Public Policy**, No.4:513-536.
4- Blundell, R. and Etheridge, B. (2010), "Consumption, income and earnings inequality", **Review of Economic Dynamics Journal**, Vol.13:76-102.
5- Brown, C. (2004), "**Does income distribution matter for effective demand? Evidence from the United States",** Review of Political Economy, Taylor and Francis Journals, Vol. 16, Issue. 3: 291-307.
6- Cutler, D.M. and Lawrence, F. K, (1992). **"Rising Inequality? Changes in the Distribution of Income and Consumption in the 1980s**", NBER Working Papers, No. 3964, National Bureau of Economic Research, Inc
7- Dirk K. and Fabrizio, P, (2006), "**Does Income Inequality Lead to Consumption Inequality? Evidence and Theory**", Review of Economic Studies, Blackwell Publishing, Vol. 73, and Issue. 1: 163-193, 01.
8- Edwards, S., (1996), "**Why are Latin America's saving rates so low? An international comparative analysis**", Journal of Development Economics, Vol. 51 : 5–44.
9- Frances S. (2008), "**Income distribution and development**", QEH working papers, No. 37, Queen Elizabeth House, university of oxford.
10- Foelmi, R.(2008), "**Inequality and Aggregate Savings in the Neoclassical**
11- **Growth Model"**, Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, Working Paper Series, No.395:1-20.
12- Garry. F, Crossley, T. F and Worswick, C. (2000), "**Consumption and Income Inequality in Australia**", The Economic Record, The Economic Society of Australia, Vol. 76, No. 233: 116-38.
13- Gervais, M., Brzozowski, M. and Suzuki, M. (2010). "**Consumption, Income, and Wealth Inequality in Canada**," Review of Economic Dynamics, Elsevier for the Society for Economic Dynamics, Vol. 13, Issue.1: 52-75.
14- Hong, K. (1995), "**Income distribution and aggregate saving**", unpublished manuscript, Harvard University, Cambridge, MA, November.
15- Hongyi , L. & Lixin , c. and Heng,F.Z. (2000) , "**Corruption , Income distribution and Growth**" , Journal of Economics and Politics, Vol . 12:155 – 182.
16- Kruger,D. and Perri. F (2002), "**Does income inequality lead to consumption inequality? Evidence and Theory**", NBER Working Paper, No.W9202:1-15.
17- Mahdavi Adeli, M.H. and Ranjbaraki, A. (2005), "**The Investigation of**

Archive of SID

www.SID.ir

Long-run Relationship between Economic Growth and Income Distribution in Iran", Quarterly Journal of Economic Researches, No.18:113-137 (in Persian).

18- Mankiw, N. G.(2003), "**Macroeconomics**", fifth edition, worth publisher.

19- Mark, D. P. (2005), "**Does Income distribution Affect U. S. sate Economic Growth?"**, Journal of Regional Science, Vol. 45: 363 – 394.

20- Morana, C. (2003), "**Long – Run Growth and Income distribution: Evidence For Italy and the USA"**, Journal of Giornale degli Economistse Annali di Economia , Vol 62: 171 – 210.

21- Paci , Pierella & Sasin , M . J. and verbeek , J. (2004) , "**Economic growth, income distribution, and poverty in Poland during transition**", policy Research working paper Series , No.3467 , The world bank .

22- Qin, D., Cagas , M . A. Ducanes . G, X. He, L. R. Shiguo, L (2009), "**Effects of Income inequality on China's economic growth**", Journal of Policy Modeling, Vol. 31: 69 – 86.

23- Rassek,F. (2004) , " **The interplay of international trade , Economic Growth and income convergence : A brief Intellectual history of recent developments** " , Journal of International trade & Economic Development, Vol. 13: 371 – 395.

24- Sahota, G., (1993), "**Saving and income distribution, The Economics of Saving"**, Buston Kluwer Academic Publishers:-15.

25- Serven, L, Hebbel, S, and Klaus, M., (2000), "**Income inequality and aggregate saving: the cross-country evidence**", Policy Research Working Paper Series, No. 1561, The World Bank.

26- Shahikitash, M.N. and Dehghani, A. (2008), "**Investigation of Income Distribution in Iranian Economy by Parametric Methods**", Quarterly Journal of Economic Policies, Vol.14, No.66: 149-168 (in Persian).

27- Shakeri, A. (2008), "**Macroeconomics: Theories and Policies**", Pars Nevisa Pablication, Tehran (in Persian).

28- Sommer, M. (2008). "**Understanding the trends in income, consumption and wealth inequality and how important are life-cycle effects?,**" MEA discussion paper series:1-59.

29- Slesnick, D. (1998), "**Empirical Approaches to the Measurement of Welfare**." Journal of Economic Literature, Vol.36: 2108-2165.

30- Uge P. (1999) , "**Income Inequality and economic Growth : Evidence from the American Data**", RES working papers 4178 , Inter – American Development Bank , Research Department.

31- World Development Indicators, (2008), **WDI, CD Rom**.

Received: 10, May, 2010
Accepted: 9, Oct , 2010

Archive of SID

www.SID.ir

پیوست:

جدول (پ-۱): فهرست کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

نام کشور	نام کشور
الجزایر	مالت
بحرین	مراکش
جیبوتی	عمان
مصر	قطر
ایران	عربستان سعودی
عراق	امارت متحده عربی
اردن	تونس
کویت	غزه و کرانه غربی
لبنان	یمن
لیبی	سوریه

منبع: لوح فشرده شاخص‌های توسعه بانک جهانی (۲۰۰۸)

Archive of SID

www.SID.ir